



A Sociolinguistic Investigation of the influence of power in *Ālam-ārā-ye Safawi*

Pourali. Manizhe¹- Shiri. Ghahreman^{2*}

1: PhD Student in Persian Language and Literature, Bu_Ali Sina University, Hamadan, Iran.

2: Professor of Persian Language and Literature, Bu_Ali Sina University, Hamadan, Iran:

Correspondence author (ghahreman.shiri@gmail.com)

Abstract: The works remaining from any period are definitive mirrors of the thought, culture and language of that era. The reflection of ideology, mentality, language, and the path and practice of the pillars of power have both direct and indirect effects on shaping the content and structure of the writings, which play a major role in giving identity to the ethnicity, language, and intellectual discourse. The ruling power in the Safavid period was composed of a triad of the Safavid kings, the military commanders, and the religious scholars, each of which used mystical, military and religious discourses, respectively. Therefore, they employed three different types of language appropriate to these three types of discourse to communicate with the people. Sharing the goals such as maintaining power and continuing political domination over the people often led to coping with the intellectual and cultural conflicts between mysticism, religion, and military service. In the same way that they used the three languages of mystic self-centrism, religious spiritualism, and military violence to dominate the society, they also utilized the potentials of all the three discourses to produce literary and historical works appropriated to their style of governance, which is evident in the prose language of the era. From a sociolinguistic point of view, language is a tool for exercising power, which links human sciences to social sciences and linguistic. Accordingly, this research deals with the influence of power in *Ālam-ārā-ye Safawi* from the perspective of sociology of language, distinguishing the powers that have influenced the prose text of this book and determining the frequency and form of the power influence on its prose.

Keywords: power, discourse of power, sociolinguistics, Safavid, *Ālam-ārā-ye Safawi*.

- M. Pourali; Gh. Shiri (2023). A Sociolinguistic Investigation of the influence of power in *Ālam-ārā-ye Safawi*, *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies* 15 (34), 41-68.

Doi: [10.22075/jlrs.2023.29036.2203](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.29036.2203)

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴ - شماره ۳۴ - زمستان ۱۴۰۲

صفحات ۴۱-۶۸ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۸/۲۷ - بازنگری ۱۴۰۱/۱۲/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

بررسی تأثیر قدرت بر کتاب عالم‌آرای صفوی بر اساس

جامعه‌شناسی زبان

منیژه پورعلی^۱ / قهرمان شیری^{۲*}

۱: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

۲: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

ghahreman.shiri@gmail.com

چکیده: آثار به جای مانده از هر دوره حکومتی، آینه تمام‌عیار فکر و فرهنگ و زبان آن دوران است. بازتاب ایدئولوژی و ذهنیت و زبان و سیر و سلوک ارکان قدرت، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌دهی به محتوی و ساختار آن دسته از آثار مکتوب دارد که نقش عمده در هویت‌بخشی به ماهیت قومی و زبان ارتباطی و گفت‌وگو را عهده‌دار است. از آن‌جا که قدرت حاکم بر دوره صفوی از سه بخش پادشاهان صفوی، قزلباشان سپاهی و عالمان دینی تشکیل شده بود و این سه گروه از سه گفت‌وگو نظامی، دینی و عرفانی برخوردار بودند، سه نوع زبان متفاوت و متناسب با گفت‌وگو خود برای برقراری ارتباط با مردم داشتند. اشتراک در مقاصد چون حفظ قدرت و استمرار سلطه سیاسی بر مردم، اغلب موجب کنار آمدن با تضادهای فکری و فرهنگی بین عرفان، مذهب و سپاهی‌گری می‌شد و به همان‌سان که از سه زبان شخصیت پرست عرفان و معنویت‌گرایی مذهب و خشونت نظامیان برای تسلط بر جامعه استفاده می‌کردند، از امکانات موجود در هر سه گفت‌وگو نیز برای نگارش آثار ادبی و تاریخی بهره می‌گرفتند و آثاری مخصوص و متناسب با شیوه حکومت‌داری خود خلق می‌کردند که این تأثیر قدرت بر زبان نثر آن دوره نمایان است. از آن‌جا که از نظر جامعه‌شناسی زبان، زبان ابزار اعمال قدرت است و از این طریق علوم انسانی را به علوم اجتماعی و زبان‌شناسی پیوند می‌دهد، این پژوهش به گفت‌وگو تأثیر قدرت بر کتاب *عالم‌آرای صفوی* از منظر جامعه‌شناسی زبان می‌پردازد و مشخص می‌کند که کدام قدرت‌ها با چه بسامدی و در چه قالبی بر نثر این کتاب تأثیر گذاشته‌اند.

کلیدواژه: قدرت، گفت‌وگو، جامعه‌شناسی زبان، صفویه، *عالم‌آرای صفوی*.

- پورعلی، منیژه؛ شیری، قهرمان (۱۴۰۲). بررسی تأثیر قدرت بر کتاب *عالم‌آرای صفوی* بر اساس جامعه‌شناسی

زبان. *مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۴، صفحات ۴۱-۶۸.

Doi: [10.22075/jlrs.2023.29036.2203](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.29036.2203)

۱. مقدمه

یکی از مباحث و موضوعاتی که همیشه در علوم انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد، زبان است که از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده و تثبیت‌کننده روش‌های بررسی همه‌جانبه مسائل مختلف مربوط به این حوزه محسوب می‌شود. زبان، اصلی‌ترین عامل ارتباطی بشر از ابتدای خلقت تاکنون بوده و امروزه علاوه بر نقش مهم و اولیه پیام‌رسانی، کارکردها و کاربردهای متفاوتی را در اجتماع و فرهنگ بشری بر عهده دارد و مشخص‌کننده روند پیشرفت یا پسرفت یک نظام اجتماعی و فرهنگی است که خود تحت تأثیر عوامل متعدّد و متفاوت درونی و بیرونی جامعه قرار دارد. «تفاوت‌های [زبانی] که گروهی از سخن‌گویان یک زبان را از بقیه جدا می‌کند، معمولاً با عواملی غیرزبانی مانند منطقه جغرافیایی، درجه تحصیلات، طبقه اجتماعی، مذهب، حرفه و بسیاری عوامل دیگر که در جامعه، گروه‌بندی‌هایی ایجاد می‌کنند، بستگی دارد؛ مثلاً همه کس می‌داند که آن گونه زبان فارسی که واعظی روی منبر به کار می‌برد، با آن گونه که یک مفسّر فوتبال به کار می‌گیرد، فرق دارد» (باطنی، ۱۳۸۹: ۳۵).

زبان و نوع کاربرد و کارکردی که در جامعه دارد، می‌تواند موجب شکل‌دهی و نظم‌بخشی به فرهنگ، ادبیات و حتی شیوه زیست و تفکر جامعه و گویشورانش باشد. «ادبیات، عالی‌ترین نمود زبان است و از این رو زبان‌شناسی نمی‌تواند و نباید نسبت به سبک‌شناسی بی تفاوت بماند» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۱۹). زبان در ایجاد انواع ادبی و نحوه بیان و نوع گفتمان مربوط به آن‌ها دخیل است و حتی می‌تواند به سبک و سیاق ادبیات در برهه‌های مختلف تاریخی و جغرافیایی، شکل و سمت‌وسو بدهد. «برخی زبان را آینه‌ای دانسته‌اند که پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی جامعه را به نوعی در خود منعکس می‌سازد» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۵ و ۶). در طول تاریخ تحوّل و تطوّر ادبی می‌بینیم که نقش زبان تا چه اندازه مهم بوده و تغییر و تحوّل آن چگونه بر فرهنگ و ادبیات یک جامعه اثر گذاشته و موجب پیدایش آثار گوناگون در سبک‌های مختلف

شده است. «هیچ جامعه انسانی وجود ندارد که عاری از زبان ادبی باشد» (هیدن الگین^۱، ۱۳۵۹: ۱۰۱). همان‌طور که زبان در معنی‌آفرینی عامل اساسی است، مبانی و معانی مفاهیمی هم که از دل اجتماع زاینده می‌شوند، بر زبان مؤثرند و باعث می‌شوند زبان و اجتماع بر یکدیگر تأثیر بگذارند. درصد این تأثیرات به عوامل مختلف زمانی و مکانی و انسانی بستگی دارد. «تنها زبان مورد استفاده گویشوران نیست که معنی را می‌سازد، گروه‌های اجتماعی‌ای که این گویشوران در آن عضو هستند نیز در ساخت معنی مؤثرند» (ویدوسن^۲، ۱۳۹۵: ۱۶). پس زبان فقط وسیله بیان احساسات و عواطف و هیجانات و انتقال کلمات و گفتار و نوشتار نیست و در سطوح بالاتر امور انسانی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نقشی اساسی بازی می‌کند. «زبان، بیان‌کننده صرف اندیشه نبود... و به دیگر سخن، زبان چیزی نبود جز ابزار تحلیل اندیشه» (فوکو^۳، ۱۳۷۸: ۱۰۹). نباید این نکته مهم را از نظر دور داشت که زبان و سوژه‌های مربوط به آن، تنها از یک مرکز واحد اجرا نمی‌شود؛ بلکه از حلقه‌های بسیار زیادی متأثر می‌گردد. «به عقیده فوکو، سوژه‌ها همواره مطیع شده هستند و در گفتمان‌ها و کردارهای قدرتی ساخته شده‌اند که آن‌ها را در موقعیت سخن‌گویان در تعریف خودآگاهی قرار می‌دهد» (نوابخش، ۱۳۸۸: ۵۷). گفتمان‌هایی که به زبان و حوزه‌های آن مربوطند، در اصل، تشکیل‌دهنده واقعیت‌های زبان هستند.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص قدرت و تأثیر آن بر جامعه، آثار زیادی نوشته شده است، از جمله کتاب *دانش و قدرت* از فوکو. همچنین مقالات متعددی چون «واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو» از مهرداد نوابخش در مجله مطالعات سیاسی و «رابطه زبان و قدرت در نخستین شعر نو فارسی (تحلیل گفتمان انتقادی شعر وفای به عهد)» از محمد مهدی

1. Suzette Haden Elgin
2. H. J. Widdowson
3. Paul Michel Foucault

زمانی، کورش صفوی و نعمت‌الله ایران‌زاده در مجله مطالعات زبانی و بلاغی به چاپ رسیده است. دربارهٔ نثر صفوی نیز در کتاب‌های *سبک‌شناسی ملک‌الشعرای بهار* و *سیروس شمیسا مطالب مفیدی آمده و نیز بخش مفصلی در کتاب تقلید و تنزل از قهرمان شیری* به این مبحث اختصاص یافته است. مقالات فراوانی هم مانند «تحلیل زبان در رمان سال‌های ابری از منظر جامعه‌شناسی زبان» از الیاس نورایی و *سیدمحمد آرتا در مجله زبان‌شناخت*، به بحث جامعه‌شناسی زبان پرداخته‌اند که البته در بیشتر این مقالات، قدرت از نظر جنسیت بررسی شده است؛ اما دربارهٔ تأثیر قدرت بر نثر کتاب‌های عصر صفوی از منظر جامعه‌شناسی زبان، تاکنون پژوهشی انجام نشده است. برای تحلیل و بررسی این مقوله، ابتدا باید مفهوم کلی قدرت مشخص شود.

۳. روش

در این پژوهش از شیوه کتابخانه‌ای، به روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است؛ به این صورت که ابتدا مفاهیم قدرت و گفتمان‌ش تبیین شده تا با در نظر گرفتن جامعه‌شناسی زبان، به بررسی تأثیر قدرت بر کتاب *عالم آرای صفوی* پرداخته شود.

۴. قدرت

قدرت، مفهومی سیال و ابهام‌آفرین دارد و در هر زمان و مکان با توجه به شرایط متفاوت تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی هر جامعه، در حال بازسازی و بازیابی است و محیط و اجتماع تحت تسلطش را با خویش تطبیق می‌دهد و همراه می‌سازد. میشل فوکو از جمله اندیشمندان معاصر است که در این زمینه به ایراد نظرات قابل توجهی پرداخته و این مقوله را به تمام امور بشری پیوند زنده است. «قدرت، یکی از مفاهیم محوری علوم انسانی و اجتماعی شده از نظر فوکو است. در نتیجهٔ محورشدن بحث قدرت، این مفهوم در این حد نیز باقی نمانده و به حوزه‌های ادبی، فیلم و نقد متنی، تحلیل فمینیستی، تاریخ اجتماعی، تحلیل سازمان، کیفرشناسی، شناخت تمایلات و نیروهای جنسی و غیره تسری یافت» (آرکلگ، ۱۳۷۹: ۵۱). در کتاب‌های لغت از قدرت به‌عنوان توان انجام دادن کاری توسط شخص یا سازمانی در زمانی معین نام برده‌اند. «قدرت، توانایی عام است؛

به این معنا که می‌تواند برای اهداف متعدّد و متنوعی به کار رود و البته تابع شرایط خاصی است» (هیندس^۱، ۱۳۸۰: ۳۰)؛ اما در اصل، قدرت چیزی فراتر از این تعریف است که با اعمال نفوذ در ذهن و زبان یک جامعه، بر تک تک افراد و رفتارها و گفتارها و حتی هنجارها و ناهنجارهای آنان تأثیرات پنهان و پیدا می‌گذارد. پی‌بردن به چگونگی اعمال قدرت و نشر آن در اجتماع و نوع کارکرد و کاربردش، کاری بسیار مهم و حیاتی به شمار می‌آید و از آنجا که «قدرت سیاسی، قدرتی اجتماعی است که محور آن دولت است» (نویمان^۲، ۱۳۷۳: ۴۰)، زبان در اختیار عاملان اصلی قدرت و حکومت قرار می‌گیرد و ابزاری برای دست‌یافتن به آرزوها و هدف‌های گروه‌های قدرتمند جامعه خواهد شد. «ویژگی اتباع، مستقل از تأثیرات قدرت نیست» (هیندس، ۱۳۸۰: ۱۷۹). این قدرت ممکن است در دست هریک از عوامل کنترل‌کننده بشر از جمله دین، اقتصاد، شهوت و سیاست قرار بگیرد و گفتمان مربوط به خود را ایجاد کند. «گفتمان‌ها به منزله ابزاری هستند که با آن‌ها درباره قدرت، نظریه‌پردازی می‌شود» (آرکلگک، ۱۳۷۹: ۲۶۹).

۵. گفتمان قدرت

میشل فوکو به مجموعه‌ای از گزاره‌ها که با یک ساختار مشخص تولید می‌شوند، گفتمان می‌گوید. «مفهوم گفتمان در اندیشه فوکو، نسبت خاصی با ساخت‌گرایی دارد که بر محور روش دیرینه‌شناسی تنظیم شده است. از منظر ساخت‌گرایانه، گفتمان برای اشاره به مجموعه قاعده‌مندی از گزاره‌ها به کار می‌رود که به صورت ساختارهای نامرئی و ناخودآگاه، در پس اندیشه‌های منفرد، تئوری‌ها و سخنان روزمره نهفته است و قواعد خود را بر اندیشه، فلسفه، علم، رفتارها و گفتارها تحمیل می‌کند» (داودی، ۱۳۹۰: ۹۶). در اصل، گفتمان علل فرامتنی همه پدیده‌های جوامع بشری است که به صورت پنهان در متن‌ها حضور دارد و نقش مهمی در تبیین و تفسیر آن‌ها ایفا می‌کند. گفتمان، «مجموعه‌ای از قواعد تاریخی ناشناس [است] که همیشه در زمان و مکان معرف یک

1. Barry Hindess
2. Franz Neumann

دوران خاص دانسته می‌شوند و کارکرد ارتباطی در یک محدوده اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و زبانی، مشروط به آن‌هاست» (بشیریه، ۱۳۷۸: ۲۱). با توجه به گفت‌مان‌ها و تحولات آن‌هاست که دیدگاه انسان و موقعیت اجتماعی، اخلاقی و آثار او دچار تغییر می‌شود و نثرها هویت واقعی می‌یابند. گفت‌مان قدرت، عملکرد انسان و عوامل مربوط به او و کارکرد آثارش را زیر سلطه می‌آورد و زبان و فرهنگ را به هم مربوط می‌سازد. «نقش‌دهی زبانی که با توجه به ادراکات ما از دنیای اطرافمان صورت می‌گیرد، تعیین‌کننده همان چیزی است که ما می‌خواهیم رابطه فرهنگ و زبان بنامیم» (پاک‌نهاد، ۱۳۸۱: ۲۴)؛ اما مکاتب ادبی و انتقادی از جمله گفت‌مان قدرت، مبانی خویش را در عرصه ادبیات تعریف می‌کنند و نیز به آن هویت می‌بخشند. «هر مکتب انتقادی، بسته به اینکه فعالیت خود را چگونه تعریف کند، ادبیات را بر پایه تصورات خود بازآفرینی می‌کند» (مکاریک^۱، ۱۳۸۵: ۱۷). گفت‌مان قدرت هم آثار ادبی را از زوایای مختلفی بررسی می‌کند، از جمله تأثیر جنسیت، اقتصاد، سیاست، قدرت و...؛ بنابراین می‌توان گفت: «تحلیل گفت‌مان انتقادی بر این امر تأکید دارد که گفت‌مان، ابزاری در خدمت قدرت است که معمولاً درک نحوه کارکرد آن دشوار است. هدف تحلیل گفت‌مان انتقادی، آشکار ساختن و برملا کردن این نحوه کارکرد است» (جهانگیری، ۱۳۹۲: ۵۸). نورمن فرکلاف^۲ هم یکی دیگر از زبان‌شناسان برجسته معاصر است که اولین کتابش را با عنوان *زبان و قدرت در همین زمینه نوشت. او برای زبان، رویکرد انتقادی قائل شد. بر اساس این نگرش، متون، عرصه تلاقی اختلافات گفت‌مانی است که این اختلافات، تحت سلطه اختلافات قدرت است که تا حدودی گفت‌مان و ژانر را رمزگذاری و تعیین می‌کند؛ بنابراین، «متون غالباً محل کشمکش هستند و آثار اختلاف گفت‌مان‌ها و ایدئولوژی‌ها را که با هم رقابت و نزاع بر سر سلطه دارند، نشان می‌دهند» (زمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۰). در این پژوهش، تأثیر قدرت بر کتاب *عالم آرای صفوی* مورد واکاوی قرار می‌گیرد و جنبه‌های متفاوت بروز این تأثیرات به تصویر کشیده می‌شود.*

۶. قدرت در حکومت صفوی

سلسله صفوی در قرن دهم با کمک ایل‌های بزرگ و عوامل متعدد که در کتاب‌های تاریخی به آن‌ها اشاره شده است، به وسیله شاه اسماعیل بنا شد. «در اینجا باید یادآوری کنیم که نهضت اسماعیل صفوی، دعوتی بود با جوهر صوفیانه در چهارچوبی شیعیانه» (الشیبی، ۱۳۵۹: ۳۹۷)؛ یعنی با روی کار آمدن صفویان در ایران، حکومتی ایدئولوژیک به وجود آمد که تا آن زمان به این صورت سابقه نداشت. «در گذرگاه تاریخ، گاه نمادهایی پیدا می‌شوند که در منظومه اندیشه آیندگان، نقطه عطف لقب می‌گیرند؛ یعنی اتفاقاتی که همانند یک سمبل، دوره‌ای را از دوره‌های دیگر متمایز می‌کند و خود تبدیل به سرحلقه زنجیره تازه‌ای از مناسبات و مفاهیم می‌شود. یکی از این نقاط در جاده پربیخ و خم ایران زمین، تشکیل سلسله صفویه است» (خلیلی، ۱۳۸۷: ۹). این سلسله نیز مانند تمام حکومت‌ها از ظهور تا سقوط، فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرد. «تاریخ سیاسی این دوره در سرتاسر ایران، عراق و آناتولی، در خلال دوره مغولان، ایلخانان بعد از مغول و دولت‌های پایند آن‌ها، مشحون از آشفتگی و فروپاشی امور است تا آنجا که زمان برای تحوّل آمادگی داشت و این تحوّل را شاه اسماعیل و صفویان به وجود آوردند» (مزاوی، ۱۳۶۳: ۲۰۳). حکومت صفوی، عصر طلایی اقتدار و شکوفایی را با شاه عباس اول و دوران انحطاط را پس از او تجربه کرد و با شروع سلطنت شاه سلطان حسین، پایان اسفناکش رقم خورد. شاردن^۱ می‌گوید: «هنگامی که این پادشاه بزرگ [شاه عباس اول] از جهان رخت بریست، رونق و رفاه نیز از ایران رخت بریست» (سیوری^۲، ۱۳۷۲: ۲۲۵). در این میان، نمودار قدرت، متأثر بود از عوامل مختلفی چون سلاطین صفوی، قزلباش‌ها، عالمان دین و عامه مردم. این نمودار، با در اوج قرار گرفتن اقتدار هر کدام از آن‌ها تغییر می‌کرد. عدم اطمینان و هماهنگی بین این عوامل نیز از دلایل این تحولات به حساب می‌آید که افزون بر یک صدانبودن قدرت، باعث تشّت

1. Chardin
2. Roger Mervyn Savory

و التقاطی شدن زبان و نثر این دوران شده است. در تاریخ تحولات ادبی ایران می‌بینیم که گاهی قدرت حکومتی بر زبان و سبک ادبی اثر می‌گذارد، تا جایی که به آن، سمت و سو می‌دهد؛ برای مثال، در دوره تیموریان، حکومت، متوگی برپایی انجمن‌های ادبی و علمی می‌شود و ادبا و علما تحت نظارت ارکان دولتی به فعالیت می‌پردازند و چیزی را می‌نگارند که با سلیقهٔ دربار مطابق باشد. گاهی نیز قدرت به دست خود روشن‌فکران زمانه می‌افتد و آن‌ها به ادبیات شکل و جهت می‌دهند و سبک‌ها را طبق علاقهٔ خود پدید می‌آورند؛ مثل دورهٔ گورکانیان که شاعران مهاجر ایرانی در هندوستان، سبک ادبی را به سمت ابهام و ایهام پیش می‌برند. گاهی هم قدرت سیاسی - نظامی تعیین‌کنندهٔ روش شاعران و نویسندگان می‌شود و سبک ادبی با ارادهٔ درباریان جهت‌دار می‌گردد؛ مانند دورهٔ غزنویان که ادبیات، سفارشی و ستایشی می‌شود. ساختار قدرت سیاسی حکومت ایدئولوژیک صفوی، متشکل از سه ضلع اصلی شاهان صفوی، قزلباشان و علمای دین بود. در قاعدهٔ این هرم قدرت نیز گروه‌های مختلف مردم از عوام بی‌سواد (به‌عنوان گروه چهارم) تا تحصیل‌کردگان و روشن‌فکران (به‌عنوان گروه پنجم) قرار داشتند که فکر و زبانشان به وسیلهٔ همان سه گروه اصلی مذکور تعیین می‌شد. «پدیدآورندگان قدرت در یک حکومت، توسعه‌دهندگان زبان و فرهنگ خود نیز هستند. در دورهٔ صفویه اگر زبان فارسی در حوزهٔ گفتار و به تبعیت از آن در نگارش متون، به سستی و ابتدال و انحطاط کشیده می‌شود، یکی از علت‌های بارز آن را باید در همین غلبهٔ دو عنصر عوامانگی و بیگانگی در جامعه جست‌وجو کرد. قدرت، تولیدکنندهٔ زبان و فرهنگ و ایدئولوژی خاص خود است. از طریق زبان و فرهنگ و ایدئولوژی می‌توان به هویت‌گردانندگان و ماهیت قدرت و حکومت در جامعه پی برد» (شیری، ۱۳۹۸: ۳۱۵).

۷. جامعه‌شناسی زبان

جامعه‌شناسی زبان، از علوم نوپایی است که تأثیرات گوناگون اجتماع و فرهنگ را بر زبان بررسی می‌کند و نشان می‌دهد تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی

و... چگونه بر زبان و ادبیات ادوار مختلف تأثیر می‌گذارند و به تبعیت از آن‌ها، زبان و عوامل مربوط به آن، چگونه بر سبک ادبی مؤثر واقع می‌شوند. «میان ساخت زبان و ساخت جامعه و روندها و متغیرهای زبانی و اجتماعی، رابطه تنگاتنگ وجود دارد» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۴)؛ بنابراین، برای بررسی یک متن یا اثر ادبی باید به شرایط به وجود آمدن آن و عوامل فرامتنی جامعه‌ای که اثر در آن تولید شده است، توجه کرد؛ چون تحلیل‌های گفتمانی به تبیین مباحث مختلف و جنبه‌های پیدا و پنهان موجود در بافت داخلی و خارجی متن مورد نظر می‌پردازد و می‌تواند میزان تأثیر قدرت ایدئولوژی، سیاست و سایر قدرت‌های حاکم بر ذهن و زبان نویسنده و دنیای حقیقی و خیالی‌اش را به تصویر بکشد. «تحلیل گفتمانی، شیوه‌های بازنمایی جنبه‌های جهان اجتماعی که موجب به وجود آمدن یا تداوم روابط نابرابرانه قدرت می‌شوند» (جهانگیری، ۱۳۹۲: ۶۵) را در نظر دارد. این نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی، تعیین‌کننده نوع گفتمان و نوشتار موجود در جامعه هدف هستند و دلیل پیدایش سبک‌های مختلف با جریان‌های فکری گوناگون در آثار نویسندگان و متفکران می‌شوند؛ چون «رقابت انسان‌ها در عرصه‌های مختلف، ریشه در غریزه انسانی دارد و به دلیل غریزی بودنش، از خصلت جبری برخوردار است» (نبوی، ۱۳۸۸: ۴۱۲). از منظر جامعه‌شناسی زبان، در جوامعی که زبان به صورت التقاطی وجود دارد و هم‌زمان در آن، چندزبانی دیده می‌شود، بررسی نوع زبان‌ها و فرهنگ حاکم بر آن‌ها تعیین‌کننده چرایی پدید آمدن متون و آثار مختلف ادبی خواهد بود. «وقتی به دلایل نظامی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و مانند آن، فرهنگ یک ملت یا قوم بر فرهنگ ملت یا قوم دیگری چیره شود، آثار این غلبه در زبان ملت مغلوب به صورت عناصر فرضی بی‌شمار ظاهر می‌شود» (باطنی، ۱۳۸۹: ۲۸) که به مرور در طبقات اجتماعی خاصی رواج می‌یابد. همچنین تنوع زبانی می‌تواند به اشکال گوناگون گفتاری، شنیداری، خوانداری و نوشتاری ظاهر شود و مبین تأثیر فرهنگ طبقات مختلف اجتماعی از نظر پیشینه فرهنگی باشد. «جامعه‌شناسی زبان، همانند

روان‌شناسی زبان، از عالم نظری محض فراتر رفته و به عالم عمل گام می‌نهد» (هیدن الگین، ۱۳۵۹: ۸۴) تا به‌طور کلی، متغیرهای زبانی و فرهنگی و اجتماعی را در تولید آثار بررسی کند و میزان قدرت نفوذ هریک را بسنجد و به نمایش بگذارد.

۸. تأثیر قدرت بر زبان نثر دوره صفویه

دیدیم که قدرت به شیوه‌های مختلف بر زبان و فرهنگ و ادب جوامع تأثیر می‌گذارد و سبک نوشتار را دچار تغییر می‌کند. دوره صفویه که مظهر پیدایش قدرت‌های مختلفی است، از این امر مستثنا نیست و دلیل وجود زبان‌ها و سبک‌های مختلف در آثار به‌وجودآمده در آن را می‌توان در تأثیرات قدرت بر متون جست‌وجو کرد. «به‌طور کلی، میان متغیرهای زبانی و طبقه‌های اجتماعی به‌عنوان یک متغیر غیرزبانی، هم‌بستگی قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد؛ بنابراین، بخشی از تنوعات زبانی موجود در یک جامعه، با توجه به عامل طبقه اجتماعی قابل توضیح است» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۰). یکی دیگر از عوامل مؤثر بر تحول زبان و فرهنگ یک جامعه، چندزبانگی جامعه هدف است. گرچه در ایران همواره چندزبانی، جزئی از بایدهای فرهنگی بوده است، در این دوره، جلوه بارزتری پیدا می‌کند. واضح است که «در عالم، هیچ زبانی نیست که بتواند از آمیختگی با زبان دیگر، خود را برکنار دارد» (بهار، ۱۳۸۱: ۲۷۹). با توجه به مبحث جامعه‌شناسی زبان، روحانیون که بر زبان عربی اشراف داشتند و حتی برای برخی از آنان زبان مادری محسوب می‌شد، سلاطین و قزلباشان که ترک بودند و قاطبه جامعه که به فارسی تکلم می‌کردند، هر کدام به سهم خود در فرهنگ و ادب این دوره مؤثر بودند. «با اینکه در دربار صفویان به ترکی تکلم می‌شد، فارسی، زبان کلی ادبیات ایران بود» (سیوری، ۱۳۸۰: ۲۶۱). این التقاطی بودن قدرت و زبان در اجتماع، دلیل تولید متونی التقاطی و به دور از خلّاقیت شد که بسامد نفوذ هریک از قدرت‌ها در آثار آن دوره متفاوت است؛ برای مثال، در متون مذهبی، ردّ پای قدرت روحانیت و تأثیر ایدئولوژی بیشتر دیده می‌شود. در متونی که به قلم پادشاهان یا نویسندگان تحت تأثیر طبقه قزلباش‌ها نوشته شده، ردّ پای نفوذ فرهنگ عامه بیشتر نمایان است و در کتاب‌های

تاریخی یا علمی که به وسیلهٔ علما و ادبای تحصیل کرده به رشتهٔ تحریر درآمده، ردّ پای تأثیر ادبیات فخیم و جریان روشن فکر جامعه بیشتر مشهود است که البته این ردّپاها از منظر جامعه‌شناسی زبان، نشان‌دهندهٔ نفوذ قدرت طبقات مختلف تأثیرگذار در جامعه بر آثار گوناگون است. از آنجا که قدرت طبقهٔ حاکم که البته از طبقهٔ باسواد و روشن فکر نبودند، بر نویسندگان ارادتمند حکومت بیشتر بود، «ادبیات در عهد صفوی، به‌استثنای ادبیات مذهبی، رو به انحطاط نهاد» (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۷۵).

۹. عالم‌آرای صفوی

عالم‌آرای صفوی یک کتاب تاریخی عامه‌پسند است که نویسندهٔ آن هنوز مشخص نشده است. از فحوای این کتاب و سبک نگارش آن، به‌خوبی مشخص می‌شود که نگارنده از شیعیان متعصب و از دوستانان جان‌نثار شاهان صفوی است. گویا «مؤلف این کتاب چندان مایه و پایهٔ علمی نداشته است. اگرچه بنای اثر خود را بر وقایع تاریخی استوار کرده، اما اکثر به ذوق شخصی خود اعتبار نهاده و با شاخ و برگ‌هایی که بر اصل حوادث مسلم تاریخی افزوده و توصیف با آب و تاب معارک و شرح هنرنمایی‌های عیارانهٔ پهلوانان قزلباش، آن را از مسیر تاریخی صرف منحرف کرده و تاریخی داستانی یا داستانی تاریخی پرداخته است» (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: چهل). برخی از محققان، آن را با نام *عالم‌آرای شاه اسماعیل* می‌شناسند؛ اما در کل، به *عالم‌آرای صفوی* معروف شده است و البته باید گفت که «صفوی، صفتی است مشتق از کلمهٔ صفی که یکی از مشایخ معروف صوفیه بود و تمام اسم او صفی‌الدین بوده است» (براون، ۱۳۱۶: ۱۴). این کتاب در سال ۱۰۸۶ق در دهمین سال پادشاهی سلطان سلیمان صفوی نوشته شده و به نسب شاه اسماعیل، از شیخ صفی و سلسلهٔ خوانین ترکستان و سلاطین تیموری و عثمانی اشاره دارد. کتاب با مقدمهٔ مصحح شروع و مطالب و مباحث آن بدون هیچ‌گونه عنوان‌بندی علمی ارائه شده است. در این کتاب به‌جز موارد انگشت‌شماری از اتفاقات،

به زمان وقوع حوادث و رویدادهای تاریخی اشاره‌ای نشده و انگار در نوشتن تاریخ‌ها از شیوه اساطیری استفاده شده است که از منظر جامعه‌شناسی زبان، بیان‌کننده تأثیر فرهنگ عامه بر آن است. سبک نوشتاری کتاب نیز به شیوه نقلی است و خطاهای دستوری و نگارشی فراوانی در آن به چشم می‌خورد. داستان‌های غلوآمیز افسانه‌وار درباره زندگی شاه اسماعیل در این کتاب، نشان از محبوبیت و مقبولیت عام این پادشاه و قدرت نفوذ این محبوبیت در بین مردم و نویسندگان دارد. «شاه به‌عنوان فرزند پیغمبر، رئیس مذهب مملکت نیز می‌باشد و ایرانیان عقیده دارند شاه به عذاب دوزخ گرفتار نمی‌شود» (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۱). اگرچه نویسنده این کتاب از طبقه تحصیل‌کرده جامعه نبوده، در تألیف خود از برخی منابع معتبر و مورد وثوق مثل *احسن التواریخ* استفاده کرده است. «مهم‌ترین و گسترده‌ترین متون نثر دوران صفوی را وقایع‌نگاری‌ها تشکیل می‌دهند. این آثار عمدتاً به قلم کسانی است که به‌سبب شناخت ادبی در سطوح متفاوتی قرار داشته و به اشکال مختلفی نیز به ثبت رویدادهای تاریخی پرداخته‌اند؛ از این رو، تاریخ‌نویسی با انواع نثرهای ادبی جریان یافت و بی‌گمان وجود این خصوصیت، شرایط بهتری برای داوری در خصوص تحولات نثر فارسی در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری برای پژوهشگران فراهم ساخته است» (بهرام‌نژاد، ۱۳۷۹: ۲۴۳). با در نظر گرفتن اصول جامعه‌شناسی زبان، این موضوع نشان می‌دهد نوشتار طبقات مختلف اجتماعی که هر یک تحت نفوذ قدرتی خاص بودند، کاملاً با هم متفاوت است.

۱۰. تأثیر قدرت بر *عالم آرای صفوی*

در به حکومت رسیدن و تثبیت دولت صفوی، قزلباش‌ها در کنار شاهان صفوی و عوامل دیگر، نقش عمده‌ای داشتند و بعدها در حکومت نیز کم‌کم دارای نفوذ شدند و مناصبی را تصاحب کردند. «در واقع، قزلباش نقش سپاه فئودالی طریقت صفویه را بازی می‌کرد که با دستیابی زعمای قوم به سلطنت، کارکرد سلطنتی نیز یافت» (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۵۳). از آنجا که این گروه نظامی و خشن با خصوصیات بدوی قبیله‌ای، از پیشینه

ادبی و فرهنگی استواری برخوردار نبودند و بیشتر کارشان جنگ و تصاحب و تهاجم بود، اهل مطالعه به شمار نمی آمدند و در کلام خویش از گفتار عامه پسند فراوانی استفاده می کردند که به دلیل ترک تباربودنشان آمیخته به زبان ترکی و لهجه نیز بود. از منظر جامعه شناسی زبان نیز با وجود داشتن مناصب حکومتی بالا، به طبقه فرودست زبانی تعلق داشتند. نفوذ قدرت قزلباشان بر زبان برخی از نویسندگان این دوره به صورت نثر عوام گرای آمیخته به لغات بیگانه بروز پیدا کرده است. تأثیر قدرت بر زبان این گونه نثرها، در ساختار و محتوای اثر دیده می شود. از نظر ساختاری، بسامد زیاد لغات و اصطلاحات عامیانه و گفتاری، خروج کلام از حالت دستورمند رسمی به سمت زبان گفتار و هنجارگریزی های نحوی، استفاده از واژگان و اشعار ترکی و عربی معمول و رایج در بین عامه مردم، از خصوصیات پرتکرار نثرهای تحت نفوذ قدرت عوامانگی است. از نظر محتوایی نیز تأیید خواست های حکومتی، تعریف و تمجید از سلاطین و قزلباش ها و بیان خواب و رؤیا، از ویژگی های این نوع آثار است. این ویژگی ها به خصیصه سبکی آن ها تبدیل شده و گونه ای متفاوت از نوشتار را به وجود آورده است. در کتاب تذکره شاه طهماسب و عالم آرای صفوی، تأثیر قدرت عوامانگی تحت نفوذ سلاطین و قزلباش ها به خوبی مشاهده می شود. از طرفی، حکومت صفوی با داعیه صوفی گری و شیعی گری و رواج اسلام واقعی، پا به عرصه سیاست گذاشت و قدرت ایدئولوژیکی در زوایای پیدا و پنهان این حکومت و جامعه تحت سیطره اش نفوذ پیدا کرد و روحانیون نیز که عاملان اصلی رواج این ایدئولوژی بودند، رفته رفته در حکومت دارای مناصب کلیدی شدند. نثرهای مذهبی در این دوره به وسیله روحانیونی نوشته می شد که عموماً خاستگاه ایرانی نداشتند و اگر هم داشتند، آن قدر تحت نفوذ زبان عربی و فرهنگ عامه بودند که حتی نحو عربی و بافت گفتاری را در ساختار دستور زبان فارسی لحاظ می کردند. همین طور زبان خاصی را بر عموم نثرهای تحت نفوذشان حاکم می کردند که قدرت گفتمان شیعه را در چارچوب نوشتاری به ظهور می رساند.

عربی‌گرایی و عامه‌گرایی در این متون باعث مقبولیت آن‌ها در بین طبقات کم‌سواد و بی‌سواد جامعه و رواج بیشترشان می‌شد و مردم عادی که از دانش و مطالعه برخوردار نبودند، با شنیدن مطالب این کتاب‌ها، آن‌ها را به چشم تقدّس می‌نگریستند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان، نهادهای مذهبی، زیرمجموعه نهادهای اجتماعی به شمار می‌آیند و از آن‌ها تأثیر پذیرفته و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند. قدرت مذهبی در بافت زبانی نثرهای این دوره نفوذ کرده و به صورت گزاره‌های تکراری نمود یافته است. کتاب‌های *رساله در باب صفویه* از محمد دارابی و *مقامات السالکین* از محمود یوسف ناجی، نمونه‌های خوبی از کتاب‌های مذهبی به شیوه اخباری این دوره هستند که جنبه‌های مختلف عربی‌گرایی و عربی‌نویسی در گفت‌وگوهای آن‌ها متبلور است. روشن‌فکران آن دوره نیز دارای قدرتی پنهان بودند و به دلیل سواد و مطالعات کافی، پست و مقام‌هایی متناسب با مهارتشان در دربار و حکومت داشتند. آن‌ها با تأثیر از مطالعه آثار فاخر دوره‌های گذشته، به نوعی تقلید آگاهانه دست می‌زدند، با این نیت که بتوانند نثر قابل‌قبولی را در نوشتار پیاده کنند. در کل، می‌توان گفت این عصر، ملغمه‌ای از همه نوع نگرش و بینش از منظر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است.

شیری نیز به تازگی در کتابی با عنوان *تقلید و تنزل*، درباره نثر صفوی مطالب ارزشمندی را به رشته تحریر درآورده و ویژگی‌ها و دلایل افول و انحطاط سبک این دوره را برشمرده است. «هنوز هم پس از گذشت سال‌ها، همچنان بهترین ارزیابی و تحلیل از نثر صفوی را باید در کتاب سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار مطالعه کرد. بهار در شگفت است که در دوره صفوی، نثر فارسی با چه تعجیل و شتابی به طرف انحطاط و پستی راه می‌پوید. نشانه‌هایی که او برای این انحطاط برمی‌شمارد، در حقیقت همان ویژگی‌های خاص سبکی در نثر صفوی است. جایگزین شدن عبارات خام و ترکیبات عربی به جای ترکیبات لطیف و اصطلاحات ظریف فارسی، تبدیل شدن ضرب‌المثل‌های شیرین فارسی به عبارات بی‌روح و مکرر تازی، استعمال ماضی‌های محذوف‌الضمیر یا همان وجه وصفی، آن هم بدون قرینه به جای افعال گوناگون با پیشوندهای متعدّد و با

صیغه‌های مختلف از بعید و نقلی و مطلق و انشایی و شرطی و استمراری و...، مرسوم شدن مجدد مطابقت صفت و موصوف به شیوه عربی، از یکدستی انداختن عبارات... نثر این دوره را از رمق و رونق انداخته است» (شیری، ۱۳۹۸: ۳۵۹). به هر حال، در آثار این دوران، تعادلی قابل قبول دیده نمی‌شود و در کل، نوعی افراط یا تفریط در همه امور به چشم می‌خورد. شاید بتوان گفت «سبک مطلوب نویسندگان ایرانی این عهد، حتی آن‌ها که بیشتر در پی انتقال اطلاعات بودند تا تمتع از مهارت‌های زبانی، سبکی است با تفصیلات و پیرایه‌بندی‌های افراطی و همتای هنر مینیاتور یا قالی‌بافی آن روزگار» (سیوری، ۱۳۸۰: ۲۱۹).

تاریخ عالم‌آرای صفوی از جمله تاریخ‌هایی است که به سبک ساده عامیانه نوشته شده و قدرت نفوذ عوامانگی را که در آن دوره با حضور قزلباشان رواج بیشتری یافته بود، خیلی واضح در خود منعکس کرده است. تعصب به تقدس شاهان که از شاخصه‌های عوامانگی است، در این کتاب دیده می‌شود. «باید گفت تلاشی که در برخی متون این عصر برای اسطوره‌سازی و ماورایی جلوه‌دادن شاهان صفوی دیده می‌شود، شاید ناشی از قدرت‌گیری علما باشد که با نفوذ روزافزونشان در مقام متولیان امور دین و عامه، تولید مذهبی و مقامات معنوی شاهان شریعت‌پناه صفوی را کم‌رنگ می‌کردند» (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۳۳). از دید جامعه‌شناسی زبان، رواج این تقدس‌پنداری‌ها به وسیله زبان و الفاظ امکان‌پذیر است که با توجه به میزان نفوذ طبقه حاکم و بازوان قدرتش (قزلباش‌ها) که منشأ رواج این افکارند، نوشتار برخی متون جهت‌دار می‌شود. تأثیر قدرت‌ها بر زبان آثار، انکارناپذیر است و زبان‌ها با انتقال گفتمان قدرت در قالب کلمات، این چرخه را تکمیل می‌کنند. از آنجا که کلمات در بافت و ساختار مشخصی که مبین سبک است، تعریف می‌شوند، «تولید معنا و در نتیجه، بر ساختن هویت، مقید به

انواع منابع گفتمانی‌اند که موضع و جایگاه اجتماعی و فرهنگی افراد در اختیارشان قرار می‌دهد» (یورگسن، ۱۳۹۳: ۱۸۸).

۱-۱۰. جلوه‌های تأثیر قدرت بر ساختار کتاب *عالم‌آرای صفوی*

۱-۱۰-۱. استفاده از کلمات و اصطلاحات عامیانه

کتاب *عالم‌آرای صفوی* به نثر گفتاری و زبان عامیانه به سبک نقالی رایج در عصر صفوی نوشته شده است. نقالی یکی از شیوه‌های مرسوم در قهوه‌خانه‌های آن روزگار بود که از دید جامعه‌شناسی زبان با توجه به بازی‌های لفظی و جاذبه کلامی، برای ارتباط بهتر با مخاطب و ایجاد صمیمیت بین گوینده و شنونده، طرف‌دار زیادی داشت و در سبک گفتاری، تغییر و تحوّل فراوانی ایجاد کرد. استفاده از کلمات عامیانه همه‌فهم با آب‌وتاب‌های فراوان، از ویژگی‌های این نوع بیان است. در این کتاب، بسیاری از فصل‌ها و ماجراها با گفتار نقالانه آغاز می‌شود و نویسنده گویا دارد یک داستان افسانه‌ای و تخیلی از گذشته‌های دور تعریف می‌کند و می‌خواهد به این روش، آن را برای مخاطب باورپذیر سازد. ترکیبات «آورده‌اند که...»، «القصّه...» و «الحاصل» را در این کتاب، موتیف‌وار می‌بینیم و در جای‌جای کتاب نیز از امثال و اصطلاحات و فحش‌ها و کلمات عامیانه، از جمله قربان‌صدقه‌هایی مثل «قربانت شوم» و «بلاگردانت گردم» که از منظر جامعه‌شناسی زبان، مربوط به طبقات فرودست جامعه هستند، استفاده شده است. «رفتار میان‌فردی ایرانیان دارای بُعد زیباشناختی غیر قابل انکار است. مهارت تعامل با دیگران در تعیین ارزش و جایگاه او در جامعه، نقش اساسی دارد» (بیمن، ۱۳۸۱: ۲۲). از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان، عموماً برخی از کلمات و اصطلاحات فقط در جوامع خاصّ زبانی کاربرد دارند و در دیگر جوامع زبانی، بی‌کاربرد یا کم‌کاربرد هستند. «بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در رفتار طبقات بالا در یک جامعه زبانی، ویژگی‌ها و الگوهایی که اعتبار اجتماعی بیشتری دارند، به نسبت بیشتری نیز به کار گرفته می‌شود» (مدرّسی، ۱۳۶۸: ۱۵).

1. Jorgensen

2. William O. Beeman

«آنچه شده بود، همه را به عرض شهریار رسانیدند. آه از نهاد شاه برآمد و گفت: نامرد باشم اگر او را سیاست نکنم به خون لکه خودم» (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۷۴).
«شروع کردند به ایدای بچه و گفتند: ای قحبه زبان بریده! چرا این قسم بد خواندی؟» (همان: ۲۵۷).

«القصه بعد از گفت و گوی و حکایت بسیار با هم چنین قرار دادند که...» (همان: ۵۵۸).

۲-۱-۱۰. حذف افعال و آوردن وجه وصفی

از منظر جامعه‌شناسی زبان، گاهی زبان گفتاری بر زبان نوشتاری تحمیل می‌شود و کنش زبانی طبقه‌ای خاص در گفتار بر نوشتار نیز تأثیر گذاشته و به روش‌های مختلف ساختاری بروز پیدا می‌کند. این سبک نوشتاری در زبان گفتاری، کاربرد دارد و آوردن وجه وصفی افعال، یکی از موارد نشان‌دهنده گرایش نثر به سمت گفتار است که در این کتاب به وفور دیده می‌شود.

«پس ایلچی مراجعت کرده خبرها را به خدمت خواندکار عرض نموده، پس طبل جنگ زدند و روز دیگر آن دو سپاه بی حد از جای درآمده و در وهله اول، جنگ مغلوبه گردیده و سپاه ذوالقدر زور آور گردیده، سپاه روم را به قدر یک فرسخ به عقب دوانیده بود و علاءالدوله نیز به جنگ آمده، نزدیک به آن رسیده که خود را به پای علم خواندکار رساند که دست اسب او به سوراخ موشی فرورفته و اسب در غلطیده که سپاه روم بر سر او جمعیت نموده و ذوالقدران نیز جمع شده بودند» (همان: ۵۴۳).

۳-۱-۱۰. جابه‌جایی ارکان جمله به سبک گفتار

در زبان گفتاری، قاعده رسمی دستور زبان شکسته می‌شود و ارکان جمله پس و پیش می‌شوند و فعل طبق روال معمول در آخر جمله قرار نمی‌گیرد و می‌دانیم که «درستی سخن آن است که اجزاء کلام و ترکیب‌بندی آن موافق قواعد دستوری و لغت باشد؛ پس اگر کلمه‌ای غلط یا جمله‌ای مغلوپ به کار برند، از درجه اعتبار ادبی ساقط

است و چنین سخن، شایسته اهل ادب و دانش نیست» (همایی، ۱۲۷: ۱۰). در این کتاب که تحت نفوذ قدرت عوامانگی قرار دارد، به هم‌ریختگی گفتاری و جابه‌جایی فعلی به صورت فراوان به چشم می‌خورد. «فضای غالبی که این نثر را در سیطره خود گرفته است، لحن گفتار است؛ اما از آنجا که زبان گفتار در این دوره، خلوص و اصالت گذشته‌ها را ندارد و با لهجه‌های مختلف در آمیخته است و نیز به دلیل آنکه نویسندگان گاهی تحت تأثیر اصطلاحات متداول میان عالمان و سیاستمداران نیز قرار گرفته‌اند، نمود عینی این زبان با زبان ادبی، فاصله بسیار یافته است» (شیری، ۱۳۹۸: ۳۶۲).

«شاه اسماعیل رفت به جانب یزد و او نیز فرصت یافته کوس مخالفت کوفته و چهل هزار کس برداشته بر سر سلطان ابراهیم برادر شاه به گرفتن تبریز راهی گردید. چون رسید به قبیله اوروملو قراگونه سلطان با سیصد کس حاکم قلعه اوروملو بود. صارم خان آمده به پای قلعه اوروملو. چون قاصد این خبر را آورد، شاه سارو حسین شاملو را سه هزار کس داده، از اصفهان به جانب تبریز روانه نمود» (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۰۳ و ۱۰۴).

۴-۱-۱۰. آوردن مصدر در انتهای جملات

طبق دیدگاه جامعه‌شناسی زبان که تفکیک زبان نوشتاری و گفتاری را به طبقات اجتماعی مربوط می‌داند، زبان گفتاری در یک جامعه از نظر دستوری دارای هنجارگریزی‌هایی است که عدول از قواعد نظام ساختارمند زبان رسمی و معیار را در پی دارد و ما می‌دانیم که «منظور از زبان معیار، گونه‌ای زبانی است که در روند معیارسازی از سوی جامعه، طی روندی مستقیم و آگاهانه انتخاب و به کار برده می‌شود» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۶۰). یکی از جنبه‌های عدول از دستور زبان رسمی فارسی، جایگزین کردن مصدر با فعل در انتهای جملات است که در این کتاب، نمونه‌های زیادی از آن وجود دارد و یکی دیگر از جلوه‌های تأثیر قدرت عوامانگی بر نثر آن را نشان می‌دهد. وقتی این جملات خوانده می‌شوند، انگار قزلباشان یا مردم معمولی آن

روزگار دارند حرف می‌زنند که از دید جامعه‌شناسی زبان، نوعی تعامل لفظی و معنایی ایجاد شده است.

«عرض نمود آیا به جنگ ما آمد(ید) یا نصیحت خواهید فرمودن؟ آن حضرت فرمودند اول نصیحت، هرگاه نشوی، جنگ ما را مشاهده خواهید نمود. پس غزالی با خود گفت که حقاّ شیخ اغلی فرزند حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. اگرچه فدوی و صوفی آن حضرت شده بود، نهایت می‌خواست که شجاعت خود را بر آن حضرت ظاهر سازد. پس عرض نمود: ای شیخ اغلی با شما نیزه‌وری خواهم کردن و شمشیر بر روی شما نخواهم کشیدن» (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۵۵۹).

۵-۱-۱۰. برخی هنجار‌گریزی‌های دستوری

در این کتاب علاوه بر جلوه‌های عوامانگی مذکور، برخی هنجار‌گریزی‌های دستوری با تأثیر از زبان عربی هم دیده می‌شود که بیانگر تأثیر قدرت روحانیت بر قلم نویسنده است و البته «اگر خواست سخنور، تنها باز نمود اندیشه [یا واقعه‌ای] باشد، نیاز به ترفندهای شاعرانه نخواهد داشت» (کزازی، ۱۳۹۱: ۳۰). از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان، این تأثیرپذیری ناشی از سیطره قدرت عوامانگی و ایدئولوژیکی بر زبان نویسنده و عدم اطلاع کامل از دستور زبان فارسی به دلیل تعلق داشتن به طبقات فرودست اجتماعی است. از جمله این عدول دستوری می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

۱-۵-۱-۱۰. تطابق موصوف و صفت

در زبان فارسی، نیازی به همسانی عددی و جنسی موصوف و صفت و مضاف و مضاف‌آلیه نیست و برای موصوف‌ها و مضاف‌های جمع، صفت‌ها و مضاف‌آلیه‌های مفرد به کار می‌رود که البته در این کتاب گاهی این دستور نادیده گرفته شده است؛ مثلاً «در آن شب مردم ترکمانان گله‌گله از شهر بیرون رفتند» (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۵۰) یا «عرضه داشتند بندگان ضعیفان بیچارگان، محمد تیمور ابن شاهی بیگ خان و عیدالله خان و جانی بیگ سلطان، نواده چنگیز را به ذروه عرض بندگان» (همان: ۴۵۰).

۲-۵-۱-۱۰. تطابق عدد و معدود

این نوع تطابق در زبان عربی وجود دارد و احتمالاً به سبب مرسوم بودن زبان عربی به دلیل چیرگی حکومت ایدئولوژیکی و نفوذ قدرتش در بین اقشار جامعه، در زبان گفتار و نوشتار کاربرد داشته است؛ مثلاً «و آن خبر رسید به سلطان خلیل، پادشاه شیروان که سلطان علی پادشاه می آید با سی هزار صوفیان» (همان: ۳۴) یا «تو گریختی و هر دو شیران رفتند در خانه رئیس حسن علی» (همان: ۱۷۲).

۳-۵-۱-۱۰. کاربرد فعل جمع برای فاعل مفرد

البته از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان، این مورد می‌تواند توجیه اجتماعی داشته باشد و منزلت زبانی را در حق جایگاه‌های اجتماعی گویشوران برساند؛ اما در کل، «بی‌اعتنایی به هماهنگی ساخت و بافت و زمان افعال در جملات یا فقدان یکدستی در وجه فعل‌ها، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌ها در نثر صفوی است که از عیب‌های بارز این نوع نثر نیز به شمار می‌رود. این ویژگی بیش از ویژگی‌های دیگر، عمق ناشی‌گری نثر صفوی را به نمایش عینی می‌گذارد؛ به دلیل آنکه رعایت هماهنگی افعال در ساختار جملات، یکی از ابتدایی‌ترین اصول نویسندگی است که هر فردی پیش از راندن قلم بر کاغذ باید آن را به درستی بداند» (شیری، ۱۳۹۸: ۳۸۵)؛ مثلاً «اگر خبر به سلطان می‌رسد، از آنجا فرار نموده و خود را به هرات خواهند انداخت» (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۲۱۹).

۴-۵-۱-۱۰. خطاب‌های بدون حروف ندا

در این کتاب از کلماتی چون پادشهم! پادشاهم! پیرم! خاتم! سلطانم! زیاد استفاده شده است و این مورد هم به کاربرد خطابی بدون ندا در کلمات منادا به روش زبان طبقات پایین اجتماع اشاره دارد؛ مثلاً «میریدان گفتند: صدق، دیگر باره شک آوردند که شیخ صفی گفت: پیرم! جماعتی شک آوردند به گفته پیرم» (همان: ۱۴) یا «تالیغان و ریش سفیدان، تمام سرها برهنه کردند و گفتند: پادشاهم! ما را تمام در دست پدربت به کشتن مده» (همان: ۴۴۳).

۵-۵-۱-۱۰. آوردن وجه خبری فعل در قسمت اول جملات شرطی

در قسمت اول جملات شرطی باید وجه التزامی فعل بیاید تا قاعده دستوری درست باشد. در این کتاب گاهی این مورد رعایت نمی‌شود. «حال اگر می‌روی [بروی] تو را بر می‌گردانند» (همان: ۱۹۳) و نیز «اگر پدر را گرفتی [بگیری] دنیا از آن توست» (همان: ۲۱۹) یا «اگر چنانچه رشوه‌ای به ما می‌دهی [بدهی] قبض روح تو نمی‌کنیم و بر می‌گردیم» (همان: ۵۰۶).

۶-۵-۱-۱۰. آوردن فعل آینده در قسمت اول جملات شرطی

این کار نیز برخلاف ساختار معمول این نوع جملات است؛ مثلاً «اگر دست از ما کوتاه خواهی کرد (بکنی) ما می‌رویم و آلاً علاج جنگ می‌کنیم» (همان: ۳۹۸).

۷-۵-۱-۱۰. استفاده از «بر گردیدن» به جای «برگشتن»

مثلاً «گفت چنان باشد برگرد و برو او نیز بر گردید» (همان: ۲۷۶) یا «اما هر کدام پاره‌ای گندم به دست آوردند و برگردیدند» (همان: ۴۰۳).

۲-۱۰. جلوه‌های تأثیر قدرت بر محتوای کتاب عالم‌آرای صفوی

تأثیر قدرت بر زبان، تنها در ساختار کلامی اتفاق نمی‌افتد، بلکه بر محتوای اثر نیز قابل مشاهده است. «قدرت و ایدئولوژی و دیگر مفاهیم اجتماعی، در زبان و به وسیله زبان بیان می‌شود» (سالک و جلالی، ۱۴۰۰: ۲۰۱). این تأثیر بیشتر به صورت پنهانی بر ذهن نویسنده اعمال می‌شود و زبان در راستای تحقق اهداف قدرت تأثیرگذار به خدمت گرفته می‌شود. «ابزارهای اعمال قدرت و منابع حق اعمال قدرت به شکلی پیچیده ارتباطی متقابل دارند. استفاده از قدرت گاه بسته به این است که مخفی باشد؛ یعنی اطاعت تابع قدرت [نویسندگان] از عامل قدرت [حاکمان سیاسی و دینی] علنی نباشد» (گالبرایت^۱، ۱۳۸۱: ۷). شاهان صفوی با توجه به قدرتی که در جامعه داشتند، افرادی چون قزلباشان را به عنوان ابزار تحمیل خواست‌های خود بر اجتماع به کار می‌گرفتند. آنان با ابراز قدرت به صورت آشکار فیزیکی برای سرکوب صداهای مخالف و

به صورت پنهان‌زبانی بر نویسندگان برای همسو کردن افکار اجتماعی، این کار را انجام می‌دادند. همیشه «فرصت‌هایی در جامعه به وجود می‌آید که در آن، کسانی امکان تحمیل اراده خود و اجرای تعهدات را پیدا می‌کنند و دیگران هم ناگزیر از تحمل و پذیرش اراده آنان و به کار بستن تعهدات خواهند بود» (اسکندری، ۱۳۸۱: ۳۵). در کتاب *عالم آرای صفوی* تأثیر قدرت زبان بر محتوا به شیوه‌های زیر دیده می‌شود:

۱-۲-۱. تأیید خواست‌های حکومتی

شاهان صفوی خواهان کسب مشروعیت و مقبولیت در میان عموم مردم بودند و به این مناسبت خود را نواده و جانشین برحق ائمه می‌دانستند و این باور بر نویسندگان ارادتمند و تابع امر آنها مؤثر بود و در آثارشان به شیوه‌های مختلف بیان می‌شد؛ در صورتی که در واقعیت امر چنین نبود. «پیداست که شیخ‌های صفوی تا زمان شاه اسماعیل، جز لقب شیخ یا خواجه نداشته‌اند؛ چنانکه خود شاه اسماعیل را هنگامی که برخاسته بود، شیخ اعلی می‌خوانده‌اند. لقب سلطان یا شاه که اکنون در برخی کتاب‌ها در پیش و پس نام‌های ایشان می‌یابیم، در زمان پادشاهی بازماندگان‌شان به آنان داده‌اند. این‌ها نیز همچون لقب سید افزوده می‌باشند» (کسروی، ۱۳۴۲: ۳۷). این نوع تأثیر قدرت بر زبان، محتوای اثر را در جهت پیشبرد مقاصد صاحبان قدرت تغییر می‌دهد؛ «بنابراین؛ در هر کنش ارتباطی، متن هم از محتوا سخن می‌گوید، هم دالالتگر مناسبات اجتماعی است» (زمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

«اول سلطان فیروزشاه زرین کلاه هفت پشت می‌گذرد و پشت هشتم حضرت شیخ‌المحققین شیخ صفی‌الدین اسحاق است و از شیخ پنج پشت می‌گذرد، پشت ششم شاه اسماعیل بهادرخان است که از شاه اسماعیل تا سلطان فیروزشاه چهارده پشت است» (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۳).

۱-۲-۲. تعریف و تمجید از شاهان و قزلباش‌ها

یکی از تأثیراتی که قدرت بر زبان طبقات تحت نفوذ خود می‌گذارد، اظهار تملق و چاپلوسی است که از دید جامعه‌شناسی زبان، از نظر محتوایی، بستر متون را برای پذیرش

محبوبیت و مقبولیت و تسلیم محض شدن افکار عمومی مهیا می‌کند. در کتاب *عالم آرای صفوی* این تعریف و تمجیدها در قالب صفات برای شاهان و امرا و نیز شرح ماجراهای افسانه‌وار از قهرمانان حکومتی آمده است.

«علی‌حضرت مرّیخ‌صولت، مروّج مذهب اثنی‌عشر، فاتح بلاد و ناصرالعباد، آیت‌الله فی‌العالمین، الفائز برحمات ربّ جلیل، نواب خاقان صاحب‌قران سلیمان‌شأن سلطان شاه اسماعیل صفوی الموسوی الحسینی، بهادرخان علیه‌الرّحمه و الغفران» (همان: ۳).

۳-۲-۱۰. بیان خواب و رؤیا

بیان خواب و رؤیا را در متون تاریخی می‌توان از ویژگی‌های عوامانگی برشمرد و از نظر جامعه‌شناسی زبان، تعبیر خواست‌های عالم خیال در عالم واقع دانست. اینکه در میان وقایع حقیقی و سرنوشت‌ساز تاریخی، برحسب فرهنگ عوام، خواب و رؤیا تعریف شود و تعبیرش در روند تاریخ تأثیرگذار باشد، نشان از نفوذ قدرت عامّه و تحمیل اراده شاهان بر قلم نویسنده دارد. بازتاب فرهنگ رایج در عموم جامعه، خود نشانه‌ای از عوام‌زدگی به حساب می‌آید و میزان سیطره قدرت عامّه را در یک اثر مشخص می‌کند. «در درون مجموعه بزرگ فرهنگ هر ملت که به‌عنوان فرهنگ ملی عرضه می‌شود، مجموعه غنی دیگری را می‌توان نام برد که فرهنگ عامّه نام دارد و بیشتر منعکس‌کننده ابعاد مختلف و جنبه‌های زندگی اقشار فرودست جامعه است» (دری، ۱۳۹۲: ۱۴۲). این ویژگی بر محتوای کتاب *عالم آرای صفوی* در راستای تعبیر رؤیای حکومت اثر گذاشته و با بسامد بالایی وجود دارد.

«اما حضرت شاه در خواب دید از برابزش نور پاک حضرت امیر پیدا گردید. گفت ای فرزند، زنهار مرو به ضیافت سلطان حسین بارانی که زهر در کاسه آش کرده، می‌خواهد تو را با هواداران تو از پای درآرد و برخیز و امشب کوچ کن که دست، دست تو خواهد بود» (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۵۵).

۱۱. نتیجه‌گیری

قدرت‌ها به شیوه‌های مختلف بر زبان تأثیر گذارند و سبک و سیاق گفتار و نوشتار را تعیین می‌کنند و تغییر می‌دهند. از منظر جامعه‌شناسی زبان، هم زبان و هم اجتماع متقابلاً بر یکدیگر اثر می‌گذارند و در این میان، آثار تولیدشده و گفتمان مربوط به آن‌ها نیز تحت تأثیر این معادله قرار می‌گیرند. در دوره صفویه که در سیاست و اجتماع، صدای واحدی وجود نداشت و قدرت در بین چند گروه عمده (روحانیت مذهبی با ایدئولوژی شیعه، سلاطین حاکم و قزلباش‌ها با فرهنگ عامه و روشن‌فکران و علما با فرهنگ علمی) تقسیم شده بود، شاهد تأثیر ترکیبی با بسامدهای گوناگون گفتمان این قدرت‌ها بر آثار تولیدشده در آن دوران هستیم و دلیل التقاطی شدن نثرها در عصر صفویه، همین امر است. در برخی آثار، بازتاب قدرت مذهبی بیشتر نمایان است و در برخی دیگر، تأثیر قدرت قزلباشی با فرهنگ کوچه‌بازاری بیشتر نمود دارد و قدرت روشن‌فکران و علما نیز در بعضی آثار بارزتر است. در کتاب *عالم آرای صفوی* به دلیل دانش کم و تعصب زیاد نویسنده و ارادت فراوان به سلسله صفوی، جنبه‌های تأثیر قدرت قزلباشان در جهت قدرت حکومتی به صورت عوام‌گرایی جلوه بیشتری دارد. این کتاب ویتترین تمام‌نمای نثر گفتاری دوره صفوی محسوب می‌شود و می‌توان گفت بازتاب قدرت‌های زمان خود در قالب گفتمان عوامانگی و ایدئولوژی با بسامدهای گوناگون است و مؤلفش فرهنگ عامه و فرهنگ مذهبی را در نثری ترکیبی با قلمی ناشیانه و ساده پردازش کرده و در تمام کتاب، مخاطب را درگیر گفتمان عوام‌گرایی با رگه‌های مذهبی می‌سازد. این تأثیرات در ساختار و محتوای اثر قابل مشاهده است و از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان، مشخص می‌کند که طبقات فرودست زبانی بیشتر از قدرت‌های تحمیلی تأثیر می‌پذیرند.

منابع

- اسکندری، محمدحسین (۱۳۸۱)، *کالبدشناسی مفهوم قدرت*، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۰، صص ۳۵-۶۱.
- آرکلک، استوارت (۱۳۷۹)، *چهار چوب‌های قدرت*، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۹)، **زبان و جامعه‌شناسی (مجموعه مقالات)**، ترجمه م. خوشام و منوچهر غیبی، ج ۲، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- براون، ادوارد (۱۳۱۶)، **تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر**، ترجمه رشید یاسمی، تهران: روشنائی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، **دوست و جامعه مدنی، گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی**، قم: نقد و نظر.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۱)، **سبک‌شناسی**، ج ۱، تهران: زوآر.
- بهرام‌نژاد، محسن (۱۳۹۷)، **تاریخ فرهنگ و تمدن ایران**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بیمن، ویلیام (۱۳۸۱)، **زبان، منزلت و قدرت در ایران**، ترجمه رضا ذوقدارمقدم، تهران: نشر نی.
- پاک‌نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱)، **فراذستی و فرودستی در زبان**، تهران: گام نو.
- جهانگیری، جهانگیر و علی بندر ریگی‌زاده (۱۳۹۲)، **زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف به تحلیل گفتمان**، پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۴، صص ۵۷-۸۲
- خلیلی، نسیم (۱۳۸۷)، **تاریخ صفوی**، تهران: ققنوس.
- داودی، علی اصغر (۱۳۹۰)، **تحلیل مناسبات قدرت در اندیشه میشل فوکو**، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۳، شماره ۱۲، صص ۹۳-۱۱۶.
- درّی، نجمه و سیدمهدی خیراندیش (۱۳۹۳)، **مقایسه بازتاب فرهنگ عامه در آثار سیمین دانشور و احمد محمود**، دوفصلنامه فرهنگ و ادب عامه، شماره ۳، صص ۱-۱۸.
- زمانی، محمدمهدی، کورش صفوی و نعمت‌الله ایران‌زاده (۱۳۹۶)، **رابطه زبان و قدرت در نخستین شعر نو فارسی (تحلیل گفتمان انتقادی شعر «وفای به عهد»)**، فصلنامه مطالعات زبان و بلاغی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۱۵۷-۱۷۷.
- سالک، امیرحسین و محمدمیرجلالی (۱۴۰۰)، **سبک‌شناسی انتقادی نامه شاه تهماسب صفوی به سلطان عثمانی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۲، شماره ۲۶، صص ۱۹۷-۲۳۲.
- سانسون، نیکلاس (۱۳۴۶)، **سفرنامه سانسون، وضع کشور شاهنشاهی در زمان شاه سلیمان صفوی**، ترجمه تقی تفضلی، تهران: بی‌نا.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲)، **ایران عصر صفوی**، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

- _____ (۱۳۸۰)، **در باب صفویان**، ترجمه رمضانعلی روح‌اللهی، تهران: نشر مرکز.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹)، **تشیع و تصوف**، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.
- شیر، قهرمان (۱۳۹۸)، **تقلید و تنزل (نثر التقاطی در عصر صفوی)**، تهران: نشر ورا.
- صفاکیش، حمیدرضا (۱۳۹۰)، **صفویان در گذرگاه تاریخ**، تهران: سخن.
- عالم آرای صفوی** (۱۳۵۰)، به کوشش یدالله شکری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، **دانش و قدرت**، ترجمه محمد ضیمران، تهران: هرمس.
- قاسمی، ضیاء (۱۳۹۳)، **سبک ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی**، تهران: امیرکبیر.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۱)، **زیباشناسی سخن پارسی**، چ ۱۰، تهران: نشر مرکز.
- کسروی، احمد (۱۳۴۲) **شیخ صفی و تبارش**، تهران: نشر کتابخانه پایدار.
- گالبرایت، جان کنت (۱۳۸۱)، **آنا تومی قدرت**، ترجمه محبوبه مهاجر، چ ۲، تهران: سروش.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، **جامعه‌شناسی زبان**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مزای، میشل (۱۳۶۳)، **پیدایش دولت صفوی**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گسترده.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵)، **دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، چ ۲، تهران: آگاه.
- موسوی، سیدجلال (۱۳۶۶)، **تصوف عصر صفوی و ادبیات آن دوره**، تهران: امیرکبیر.
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۳)، **دین و مذهب در عصر صفوی**، تهران: امیرکبیر.
- نبوی، عباس (۱۳۸۸)، **فلسفه و قدرت**، چ ۴، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نوابخش، مهرداد و فاروق کریمی (۱۳۸۸)، **واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو**، مطالعات سیاسی، شماره ۳، صص ۴۱-۵۰.
- نویمان، فرانس (۱۳۷۳)، **آزادی و قدرت و قانون**، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
- ویدوسن، اچ.جی. (۱۳۹۵)، **تحلیل گفتمان**، ترجمه نگار ایل‌غمی و نگار داودی، تهران: جامعه‌شناسان.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۷)، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، چ ۱۵، تهران: هما.
- هیدن الگین، سوزت (۱۳۵۹)، **زبان‌شناسی چیست؟**، ترجمه محمدضیاء حسینی، تهران: دانشگاه آزاد.
- هیندس، باری (۱۳۸۰)، **قدرت از هابز تا فوکو**، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: شیرازه.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس لوئیز (۱۳۹۳)، **تحلیل گفتمان**، ترجمه هادی جلیلی، چ ۴، تهران: نشر نی.

